چالش ناترازی آب؛ فراتر از مکان پایتخت

گروه اجتماعی- مریم رمضانی

«ناترازی آب مسئله‌ای فراگیر است و با جابه‌جایی پایتخت این ناترازی ادامه خواهد داشت. به دلیل عدم آینده‌نگری در امر توسعه، مسئله بیلان منفی منابع آب از اوایل دهه هفتاد در تمامی نقاط کشور به‌ویژه مناطق پرجمعیت آغاز شده است، بنابراین تلاش برای همگن‌سازی توزیع جمعیت و توزیع عادلانه امکانات و مراکز اشتغال؛ عمده‌ترین و بنیادی‌ترین کاری است که دولتمردان باید در مسیر توسعه انجام دهند. به تبع این اقدامات، جمعیت در نقاط مختلف توزیع و فشاری فراتر از ظرفیت زیست محیطی به یک ناحیه وارد نخواهد شد.» این عبارت، گزیده‌ای از اظهارات علی بیت‌اللهی در گفت‌وگو با «رسالت» است. این مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در حوزه آب و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی معتقد است: «نمی‌توان همواره جمعیت کشور را همانند آهن‌ربا در چند شهر بزرگ جذب و مستقر کرد، در چنین شرایطی توسعه رقم نمی‌خورد. وقتی جمعیتی را در یک یا چند نقطه مشخص متمرکز می‌کنید، برای تأمین مواد غذایی نیازمند احداث کارخانه، توسعه زراعت و مصرف آب بیشتری خواهید بود و به این ترتیب بر محیط زیست فشار سنگینی تحمیل می‌شود.»

اظهارات کامل مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

آقای بیت‌اللهی مسئولان از ناترازی آب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در جابه‌جایی پایتخت سخن گفته‌اند، فکر می‌کنید چنین اقدامی در حل این ناترازی کارساز خواهد بود؟

همان طور که اشاره کردید یکی از دلایل مطرح در انتقال پایتخت، مسئله تأمین آب شرب ساکنین تهران است اما با نگاهی کلی به سیمای کشور متوجه می‌شویم، بیلان منفی منابع آب فقط مختص به تهران نیست. به دلیل کاستی‌ها و مشکلات و عدم آینده‌نگری برای توسعه در تمامی ابعاد، این مسئله به‌ویژه از اوایل دهه هفتاد در تمامی نقاط کشور به‌ویژه مناطق پرجمعیت آغاز شده و حتی در بخش آب‌های زیرزمینی نزدیک به ۱۴۰ میلیارد مترمکعب آب از دست داده‌ایم. اگر به خوبی دقت کنیم، در تمامی استان‌ها و شهرهای پرجمعیت به‌ویژه در خراسان رضوی، اصفهان، کرمان، فارس، آذربایجان شرقی و در حوضه‌های آبریز مختلفی که در آن سکونتگاه‌های بزرگ وجود دارد، این مسئله دیده می‌شود، بنابراین ناترازی آب یک امر فراگیر است. پایتخت به هر نقطه‌ای که منتقل شود، درآنجا هم مشکل ناترازی آب وجود دارد، ولی مشکل تأمین آب شرب با روش‌های بسیار کم هزینه‌تر، مقرون به صرفه‌تر و قابل اعتمادتر میسر است. اکنون برای کشاورزی در جنوب تهران با روش‌های آبیاری هدرده، بیش از ۷۰ درصد آب‌های زیرزمینی پرت می‌شود. چاه‌های متعددی نیز حفر شده که تعداد آن‌ها طبق آمار اعلامی به بیش از ۵۰ هزار حلقه چاه می‌رسد و علاوه بر این‌ها، نزدیک به ۳۰ هزار حلقه چاه فاقد مجوز هم وجود دارد. آب این چاه‌ها صرف محصولات کشاورزی‌ای شده که ۳۰ درصدش به ضایعات تبدیل می‌شود و با روش‌هایی که برای آبیاری اتخاذ شده ۷۰ درصد این آب هدر می‌رود. در حالی که کشت محصول با بیش از سه برابر راندمان فعلی و مصرف یک چهارم آب کنونی مقدور است، به این ترتیب آب مورد نیاز تهران در بخش شرب که سالانه حدود یک میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود قابل تأمین است. از این گذشته برآورد شده که دستکم ۱۵ درصد آب شرب تهران هدر می‌رود، یعنی آبی که نشت می‌شود. ۱۰ درصد هم آب بدون درآمد است، آبی که با روش‌های مختلف به مصرف می‌رسد، بدون اینکه به شبکه بازگردد و یا آب بهایی بابت آن پرداخت شود. همین موارد را اگر رعایت کنیم، تهران مشکل آب شرب و ناترازی نخواهد داشت.

آنچه در تهران مشکلاتی نظیر ناترازی آب و انرژی و آلودگی هوا را رقم زده، به مسئله پایتخت بودن ارتباطی ندارد، بلکه ناشی از تمرکز جمعیت است و علت این تمرکز ناهمگون و ناهمگن جمعیت در برخی از نقاط خاص که ما این نقاط را به عنوان کلان شهر و حاشیه‌های اقماری آن هامی شناسیم، عدم توزیع عادلانه امکانات معیشتی و شغلی در اقصی نقاط کشور است، بنابراین تلاش برای همگن‌سازی توزیع جمعیت و توزیع عادلانه مراکز اشتغال عمده‌ترین و بنیادی‌ترین کاری است که دولتمردان باید انجام دهند. به تبع این اقدام، جمعیت در نقاط مختلف توزیع و تا به این حد فشاری فراتر از ظرفیت زیست محیطی به یک ناحیه وارد نخواهد شد. فقط هم در اینجا مسئله پایتخت مطرح نیست، مگر در اصفهان این مشکل را نداریم؟ با چنین تفکری باید تمامی کلان شهرها از جمله اصفهان و مشهد و شیراز را هم منتقل کرد. شما به هر نقطه‌ای از کلان شهرها نگاه کنید، همین مسائل وجود دارد، ریشه‌ای‌ترین مسئله، نوع نگاه مدیریتی به توزیع اقتصاد و معیشت از یک سو و تأمین منابع آب و انرژی از سوی دیگر است. سوای این توضیحات، اگر قرار باشد هزینه و اعتبار هنگفتی برای جابه‌جایی پایتخت صرف شود، به ساختمان‌های متعدد، بزرگراه‌ها و زیرساخت‌ها و انواع و اقسام مستحدثات ضروری نیاز است، حال اینکه دستکم ۱۵ تا ۲۰ سال طول می‌کشد تا یک پروژه در کشور به اتمام برسد. به فرض داشتن اعتبار و منابع ریالی وارزی، اگر یک صدم آن را برای ساماندهی منابع مصرف آب هزینه کنیم، مشکل آب حل خواهد شد. یک سؤال بسیار مهم این است که با انتقال پایتخت به نقطه دیگری که اخیرا به سواحل مکران اشاره شده، طبیعتا فیزیک تهران و زیرساخت‌ها سر جای خود خواهند بود، آیا با انتقال پایتخت مشکل حل خواهد شد و تصور می‌کنیم تمامی جمعیت تهران و یا نیمی از آن، در جای دیگری ساکن می‌شوند؟ اگر چنین تصوری داریم باید بگوییم که این تصور بسیار ناشیانه و غیرعملیاتی است. اگر همین فردا برخی از واحدهای مسکونی در تهران خالی شده و نرخ اجاره‌بها پایین بیاید، آن وقت می‌بینید که باز هم انبوهی از جمعیت به سمت تهران گسیل می‌شوند، به این دلیل که انواع امکانات در این شهر وجود دارد و جاذبه‌های جذب جمعیتی آن با تغییر پایتخت از بین نخواهد رفت. بدون تردید اگر عده‌ای از سر اجبار به دلایل شغلی و کاری جابه‌جا شوند، افراد دیگری جایگزین آن‌ها می‌شوند، بنابراین مسئله ناترازی آب، ترافیک، خطر زلزله و فرونشست هم چنان وجود خواهد داشت. انتقال پایتخت، مشکلات تهران را به شکل ریشه‌ای درمان نمی‌کند. این مسائل در پایتخت بعدی هم به دلیل تمرکز جمعیتی وجود خواهد داشت. براین اساس با مفهوم و مبنای انتقال پایتخت مخالفم و امیدوارم صدای مخالفین هم شنیده شود و تصمیم‌گیران ژرف اندیشانه به مسئله نگاه کنند. ما بارها تجربه کرده‌ایم که اقدامی را بدون درنظر گرفتن عواقب عملیاتی و ملموس آن شروع می‌کنیم و بعد سردرگمی و بلاتکلیفی عجیبی در کشور حاکم می‌شود. مسئله انتقال پایتخت بسیار مهم است و باید تمامی ابعاد آن را سنجید. به صرف ناترازی آب و سایر مشکلات، اتخاذ تصمیمی مانند جابه‌جایی پایتخت، اشتباه بزرگی خواهد بود و مسائل و مشکلات عدیده دیگری را پدید می‌آورد.

چرا در تمامی دولت‌ها موضوع انتقال پایتخت مطرح شده و هیچ‌گاه اقدامی در این راستا صورت نپذیرفته، در حال حاضر نیز دولت چهاردهم با اعلام یکسری مشکلات از موضوع انتقال پایتخت سخن می‌گوید، فکر می‌کنید علت این مسئله چیست؟

به نظرم یکی از روش‌هایی که فقط مربوط به ایران نیست و در بسیاری از نقاط جهان مطرح شده، موضوع انتقال ریسک است، یعنی در واقع صورت مسئله حل نمی‌شود و مسئله بدون زیر بنیاد اجرایی و عملی صرفا از یک نقطه به نقطه دیگری منتقل خواهد شد. براین اساس با درنظر گرفتن شرایط واقع‌بینانه کنونی، امکان انتقال پایتخت وجود ندارد. باتوجه به ناتوانی اقتصادی، عدم کارآمدی و غیر چابک بودن سیستم، زمینه و امکانات لازم برای ایجاد پایتخت جدید وجود ندارد. ما شاخص‌های کاملا ملموسی داریم که نشان می‌دهد اجرای این پروژه سنگین عملیاتی نیست. در شرایطی که هنوز پس از ۲۸ سال آزادراه تهران- شمال و یا مصلای تهران و خطوط مترو آن به پایان نرسیده، چگونه می‌خواهیم پایتخت را منتقل کنیم؟ باید واقع‌بینانه بپذیریم که جدا از مباحث نظری؛ به لحاظ اجرایی در شرایط کنونی آن توانایی اجرایی لازم را نداریم، اما طرح این موضوع، یک نوع برخورد برای حل مسئله است. به نظرم در کانون هدف یعنی تهران، مشکلات بر سر جای خود باقی می‌ماند، چون انتقال پایتخت مشکلات این شهر را حل نمی‌کند. مگر در صورت جابه‌جایی، آب اضافی و هوای سالمی خواهیم داشت؟ اگر فرض بر این است که نیمی از جمعیت تهران کوچ کنند، این فرض کاملا غلط است. تهران دارای جاذبه‌های اقلیمی، موقعیت قرارگیری، زیرساخت‌ها و پتانسیل‌های مختلفی است و چنین امکانی وجود ندارد که جمعیت این شهر حتی ۱۰ درصد کمتر بشود. ممکن است عده‌ای به دلایل کاری و به صورت مأموریتی و مهمان سرایی در نقطه دیگری ساکن شوند اما جای آن‌ها به سرعت با افراد بعدی پر می‌شود. بنابراین موضوع اصلی که مربوط به ناترازی‌ها در زمینه آب، انرژی و هوای پاک است، با انتقال پایتخت حل نمی‌شود. به نظرم مطرح کردن این مسائل برای دور شدن از مشکلات کنونی تهران است اما روشی برای حل مشکلات کنونی آن نیست.

بعضی از کارشناسان معتقدند می‌توان از طریق راهکارهای اصلاحی، وضعیت آب تهران را به نقطه مطلوب رساند، آیا شما هم به این مسئله باور دارید؟

اطمینان کامل دارم که این کار امکان‌پذیر است، چون در یک برآورد کلی از مصرف منابع آب کشور، حداقل ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی به مصرف می‌رسد و فقط نزدیک به ۶ تا هفت درصد کل مصرف را آب شرب تشکیل می‌دهد و در مقایسه با حوزه‌های دیگر، مصرف شرب شهری تهران زیاد نیست، حال اینکه فضاهای سبز با آب قنوات و منابع زیرزمینی و چاه‌های متعدد آبیاری می‌شود و در حوزه مدیریت مصرف، میزان هدردهی بالاست. در کنار این موارد، به دلیل عدم مدیریت منابع سطحی و روان آب‌ها در زمان بارندگی، این آب از دسترس ما خارج می‌شود. در پایین دست تهران آنجایی که به عنوان دشت تهران نام‌گذاری شده، چاه‌های متعددی وجود دارند که آب زیرسطحی تهران را به سمت پایین دست می‌کشند و موجب فرونشست زمین می‌شوند. بنابراین باید آب‌های زیرسطحی را کنترل و مدیریت کرد، این اقدام مقدور است و تجربیات موفق در چندین کشور دنیا نشان داده با اندکی سرمایه‌گذاری که با رقم‌های بعد از ممیز انتقال پایتخت هم قابل مقایسه نیست، به راحتی می‌توان آب شرب پایتخت را تأمین کرد. از طرف دیگر با توزیع مراکز اشتغال و امکانات اقتصادی حتی در اطراف تهران و ارائه مشوق‌های لازم خود به خود میل به مهاجرت معکوس می‌شود. بدون تردید تمرکز و مهاجرت جمعیت به تهران و همین طور سایر کلان شهرها بیشتر با انگیزه اقتصادی و تأمین معیشت و درآمدزایی همراه است و اگر امکانات لازم در نقاط نزدیک به سکونتگاه‌های ریشه‌ای فراهم شود، مردم به صرافت آن عقلانیتی که در نهاد همگان است، ترجیح می‌دهند در محل سکونت خود به زندگی ادامه دهند تا رنج اجاره‌نشینی و بی‌خانمانی و زندگی در بافت‌های غیررسمی با شرایط سخت را نپذیرند.

گفته شده وزارت نیرو شبانه روز به دنبال تأمین آب است و اگر مشترک جدیدی مراجعه کند، انشعاب می‌دهد، این در حالی که است که هیچ منبع جدیدی به مجموعه منابع آبی اضافه نشده است. نتایج مطالعات هم نشان می‌دهد، برای مدیریت بحران آب دو راه اصلی مدیریت تأمین و مدیریت مصرف وجود دارد، و ازاین رو پیشنهاد مؤکد کارشناسان این است که روی مدیریت تأمین برای شهر تهران حتی یک قطره هم کار نشود. نظرگاه شما در این باره چیست؟

این مسئله بسیار مهم است. بانگاهی به تاریخچه تکوین و توسعه تهران متوجه می‌شویم که با طرح تئوری تأمین آب اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ایم. ۳۰ سال پیش آب شرب تهران گوارا، پرفشار و کافی بود و تصور نمی‌کردیم روزی چنین مشکلی پیش بیاید، اما با یکسری اقدامات و مشوق‌های غیرملموس زمینه مهاجرت جمعیت به کلان شهر تهران فراهم و مشکل تأمین آب شرب پیش آمد. به این ترتیب علاوه بر سد کرج، نسبت به احداث سد لتیان اقدام و آب تأمین کردیم. دوباره بر تعداد جمعیت افزوده شد و به دلیل تشدید کمبود آب، سدهای ماملو و لار را احداث کردیم و از سد طالقان لوله کشیدیم تا آب شرب را تأمین کنیم و پیوسته این چرخه باطل به عنوان تئوری پایه تأمین آب ادامه یافت. این مسئله اکنون به مرحله حادی رسیده و دیگر منبعی وجود ندارد تا بتوان آبی تأمین کرد. اخیرا مطابق اظهارات مسئولان، قرار است آب را از دریای عمان به وسیله لوله منتقل کنند و این موارد پیش فرض‌های خطرناکی است که در سؤال شما هم این خطر مستتر است. هرگونه تلاش برای تأمین منابع آب بیشتر، تلاش برای تشویق به مهاجرت و تمرکز جمعیتی بیشتر است. ظرفیت زیست محیطی گستره تهران خیلی وقت است که اشباع شده. گستره کرج و دماوند را اگر نواری باریک فرض کنیم، نزدیک به ۲۰ درصد جمعیت در این نوار باریک و کم وسعت متمرکز هستند و این جمعیت پذیری باید متوقف شود. احداث طرح‌هایی نظیر تأمین مسکن که منجربه تشویق جمعیت برای مهاجرت به تهران می‌شود باید متوقف گردد. این گونه طرح‌ها باید در مناطق کم جمعیت تر اجرایی شود. اگر می‌خواهیم به صورت ریشه‌ای مشکل را حل کنیم، باید این گونه عمل کنیم، با تأمین منابع آب دوباره یک توسعه ناپایدار دیگری رقم می‌خورد و این دور باطل همین طور ادامه پیدا می‌کند. مشکل فقط تأمین آب نیست، وقتی جمعیتی دو برابر عدد حاضر در گستره‌ای کم وسعت متمرکز می‌شوند، طبیعتا مسئله آلودگی هوا و مشکل ترافیک بیش از پیش تشدید خواهد شد و چالش‌های زیست محیطی عجیب و غریب و ناهنجاری‌های اجتماعی رخ خواهد داد و حتی به کاهش رشد در سایر نقاط کشور منتهی می‌شود. این مسئله نتیجه مدیریت با دیدگاه غلط است. امیدوارم مسئولان ما عواقب ۱۰ سال آینده را هم در نظر بگیرند. تا کجا می‌شود جمعیت کشور را همانند آهن‌ربا در چند شهر بزرگ جذب و مستقر کرد، در چنین شرایطی توسعه رقم نمی‌خورد. شما وقتی جمعیتی را در چند نقطه خاص متمرکز می‌کنید، برای تأمین مواد غذایی نیازمند احداث کارخانه، توسعه زراعت و مصرف آب بیشتری خواهید بود و به این ترتیب بر محیط زیست فشار سنگینی تحمیل می‌شود، این‌ها نتیجه سیاست‌های غلط است. امیدوارم موضع مسئولان از سمت و سوی تأمین به سمت مدیریت منابع آب تغییر کند و شرایط حدی نیز رعایت شود. تهران خیلی وقت است از این شرایط گذر کرده و باید با توزیع مراکز اقتصادی، ایجاد زمینه اشتغال، رسیدگی به سایر مناطق، رفتار عادلانه اقتصادی و فراهم کردن امکانات و سکونتگاه‌های قابل زیست در اقصی نقاط کشور به توسعه پایدار کشور کمک کرد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۴۳۳۹ مورخ ۱۴۰۳/۹/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدابوالفضل آبفروش فرزند سیدرضا به ش.ش ۲۱۳۲۳ صادره از تهران در سه دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۲۶/۸۳ مترمربع پلاک ثبتی ۷۲۶۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی عالیه و عارف و رامین و غلامعلی همگی گرانمایه و شایسته هنری توانگر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۶۹۰۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

خداداد بشیری- رئیس ثبت اسناد واملاک

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای جعفر جرک فرزند رضا با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره شناسه یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۸۳۵۴۰۰۰۲۴۴ و شماره رمز تصدیق ۶۸۹۸۸۲ دفترخانه ۱۰۸۵ تهران طی درخواست وارده ۱۰۲۳۰۳۲۲۰۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده‌اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: جعفر جرک فرزند رضا مالک ششدانگ عرصه و اعیان

۲- شماره پلاک: ۴۰۹۰۸ فرعی از ۱۲۴ اصلی

۳- علت مفقود شدن: گم شدن

۴- خلاصه وضعیت مالکیت:

ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۴۰۹۰۸ فرعی از ۱۲۴ اصلی مفروز و مجزا شده از ۶۵۷ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۱ واقع در طبقه اول واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک کن تهران استان تهران به مساحت ۳/ ۱۹۳ مترمربع که مقدار ۳/ ۸۴ مترمربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۳ به مساحت ۲/ ۱۳ مترمربع و پارکینگ قطعه ۵ به مساحت ۱۱ مترمربع

مشخصات مالکیت:

مالکیت جعفر جرک فرزند رضا به ش.ش ۷۸۷۹۴ متولد ۱۳۳۵/۱/۷ صادره از قم دارای ش.م ۰۳۸۰۷۹۶۷۹۱ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۷۴۲۶ تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۸۷ شهرتهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۸۳۹۲۸ سری ج سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۶۲۱۲ ثبت گردیده است. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

علی زارعی فر

کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران

م الف ۱۶۹۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم غزاله صادقی (مالکه) با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۵۲۸۷۱ و ۵۲۸۷۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۴۷ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۳۷۱۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۲۷۶۶ فرعی از ۶۷۶۱ اصلی مفروز و مجزا شده از ۵۹۵ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۳ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۶۲/۸ مترمربع

مشخصات مالکیت:

مالکیت غزاله صادقی فرزند علیرضا به ش.ش ۱۳۲۴۲۰۶۷ متولد ۱۳۶۹/۱۱/۱۳ صادره از تهران دارای ش.م ۰۱۳۲۴۲۰۶۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۸۲۷ تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۱۴۳ شهرتهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۲۷۲۲۳ سری د سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۲۵۰۴۰۰۷۰ ثبت گردیده است. به علت اسباب کشی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

بهروز جشان

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

م الف ۱۶۹۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم نفیسه خادمی با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۱۱۶۳۶ و ۱۱۶۳۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱۷ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۲۵۰۳۸۰۹۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ مدعی گردیده است سند مالکیت دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۳۰۵ فرعی از ۶۸۱۲ اصلی مفروز و مجزا شده از ۲۳ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲۰ تفکیکی واقع در طبقه ۰ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۸۸/۵۹ مترمربع به انضمام دودانگ پارکینگ قطعه ۴ به مساحت ۱۰/۸ مترمربع که بنام خانم نفیسه خادمی فرزند محمدمهدی مالک دودانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان به موجب سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۸۹۸۹۶ سری ه سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۰۲۵۰۲۴۶۳۳ ثبت گردیده است. به علت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

بهروز جشان

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

م الف ۱۶۹۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم نفیسه خادمی با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۱۱۶۳۶ و ۱۱۶۳۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۱۷ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۰۲۵۰۳۸۰۹۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ مدعی گردیده است سند مالکیت دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۳۰۵ فرعی از ۶۸۱۲ اصلی مفروز و مجزا شده از ۲۳ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲۰ تفکیکی واقع در طبقه ۰ و واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۸۸/۵۹ مترمربع به انضمام دودانگ پارکینگ قطعه ۴ به مساحت ۱۰/۸ مترمربع که بنام خانم نفیسه خادمی فرزند محمدمهدی مالک دودانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان به موجب سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۸۹۸۹۶ سری ه سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۰۲۵۰۲۴۶۳۳ ثبت گردیده است. به علت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

بهروز جشان

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

م الف ۱۶۹۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه محمدحسین چیذری به عنوان مالک با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده به شناسه یکتا ۱۴۰۳۰۲۱۵۱۱۸۶۰۲۲۱۲ و شماره ترتیب ۱۲۵۳۰۵ و رمز تصدیق ۶۳۸۶۲۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ دفترخانه ۲۹۸ تهران طی درخواست وارده ۲۶۳۵۱۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۶ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۱- نام و نام خانوادگی: محمدحسین چیذری

۲- شماره پلاک: ۱۴۳۷۴ فرعی از ۳۴ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران

۳- علت گم شدن: جابجایی

۴- خلاصه وضعیت مالکیت:

یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۱۴۳۷۴ فرعی از ۳۴ اصلی مفروز و مجزا شده از ۹۸۲۶ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۶ در طبقه ۳ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک قلهک تهران استان تهران به مساحت ۱۸۵/۱۲ مترمربع

متن ملک آپارتمان مسکونی قطعه ششم تفکیکی مفروز و مجزی شده از شماره ۹۸۲۶ فرعی از ۳۴ اصلی به مساحت ۱۸۵/۱۲ یکصد هشتاد و پنج متر و دوازده دسیمتر مربع واقع در سمت شرقی طبقه سوم توضیحات ملک

مشخصات منضمات ملک:

انباری قطعه ۷ به مساحت ۵/۶۶ مترمربع

پارکینگ قطعه ۲۴ به مساحت ۱۱ مترمربع

پارکینگ قطعه ۲۵ به مساحت ۱۱ مترمربع

مشخصات مالکیت:

مالکیت محمدحسین چیذری فرزند محمدرضا به ش.ش ۷۹ ت.ت ۱۳۵۶/۱۱/۴ صادره از شمیرانات دارای ش.م ۰۴۵۲۵۴۸۲۷۶ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۱۲۲۳ تاریخ ۱۴۰۳/۳/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷۴۷ شهرتهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۳۴۹۳۰ سری ب سال ۰۲ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۳۲۰۳۰۱۰۲۶۰۱۲۱۹۶ ثبت گردیده است.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

محمدامین کریمی جو

رئیس حوزه ثبت ملک قلهک تهران

م الف ۱۶۹۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد آقاوفائی به وکالت از خانم یاسمن وفائی به موجب وکالتنامه رسمی شماره ۱۳۳۵۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۲ دفترخانه شماره ۲۹ تهران که اصالت و اعتبار وکالت و عدم عزل وکیل طی شماره ۱۴۰۳۸۵۶۵۲۷۸۰۰۰۰۸۵۲ مورخ ۱۴۰۳/۹/۱۹ دفترخانه تهران اعلام گردیده است با تسلیم تقاضا مثبوته به شماره ۲۸۳۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۸/۱۹ منضم